

## جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان

نویسنده:

دکتر رضاعلی محسنی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر

### چکیده

با رشد شهرنشینی و ایجاد کلان شهرها، روز به روز بر دامنه مشکلات و مسایل مدیریت شهری افزوده می‌شود. نگرش صنعتی مدیریت شهری پاسخگوی نیازها و رافع مشکلات نخواهد بود، گرچه روز به روز به جمع شهرداریها و ادارات دولتی مدیریت شهری بیفزاید. توسعه شهرنشینی مشکلاتی از قبیل مسکن، ترافیک، کمبود فضاهای سبز و آموزشی، آلودگی محیط زیست و ... را با روند رو به تزایدی همراه دارد. اکنون سؤال اینجاست که چاره‌ار چیست؟ یکی از بهترین استراتژیهای مدیریت شهری، همانا مشارکت دادن شهروندان فهمیم، آگاه و با انگیزه در حوزه‌هایی از مدیریت شهری است. رویکردی که اخیراً مورد توجه شهرداریهای کلان شهرها در تهران و شهرستانها مدنظر قرار گرفته است.

### واژه‌های کلیدی

مدیریت شهری، کلان شهرها، شهروندان، مشارکت، مسایل اجتماعی

### مقدمه

خودشان رنج می‌برند، به نظر می‌رسد با بررسی ابعاد مسأله رشد بی‌رویه جمعیت، دستیابی به علل گسترش<sup>۳</sup> فزاینده کلان شهرها و بازنگری در سیاستها و کارآمد نمودن آن (در قالب سیاستهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت) و استفاده از راهبرد و مکانیسمهای کارآمد و مؤثر در جهت کاهش مسائل مدیریت کلان شهرها عمل نمود.

این مقاله ضمن طرح مباحث مقدماتی مدیریت توسعه کلان شهر به جنبه‌های مدیریتی این مناطق و فعال سازی طرحها و برنامه‌های شهری از طریق افزایش روحیه مشارکت شهروندان تأکید دارد. بطوری که با دخالت دادن شهروندان در مدیریت مشارکتی<sup>۴</sup> و مردم در فرآیند توسعه شهری<sup>۵</sup> پرداخت.

با رشد روز افزون تعداد مادر شهرها<sup>۱</sup> و کلان شهرها<sup>۲</sup> در ایران و ضرورت توسعه یافتگی آن، بازنگری در مدیریت امور شهری این مناطق الزامی است. ساختار پیچیده و ناهمگون اجزاء و عناصر موجود در چنین بافتی، همراه با مسائل و معضلات ویژه کلان شهرها، ضرورت مسأله را دو چندان و با استفاده از رویکردهای مدیریت نوین شهر و شهرسازی می‌توان مرمت و بهسازی نمود.

هر چند کلان شهرهایی چون تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرج و اهواز از مسایل و مشکلات خاص متعلق به بافت شهرسازی و ترکیبات اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی

## ۱. طرح مسأله

مشخص سیاسی یا اقتصادی و اجتماعی صورت می گیرد، این تصمیمات در سطوح محلی تأثیر می گذارند.

## ● مشارکت

در مفهوم گسترده‌اش به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به افزایش درک و توان شهروندان جهت پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است.

ولذا می توان اظهار داشت:

مشارکت عامه در توسعه باید به طور عمده دخالت فعال مردم در فرآیند تصمیم‌گیری تا آنجا که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، تلقی نمود.

## ● شهرنشین و شهروند

با توجه به این که دو مفهوم تفاوت بارزی وجود دارد باید اظهار داشت که در فرآیند توسعه شهروندان نیاز داریم تا شهرنشین. شهرنشین فردی است در یک نظام بسته که اساساً آنرا "انتخاب زیستی" و موروثی تشکیل می‌دهد، زندگی می‌کند. در این نوع سیستم به جای انتخاب افراد بر حسب شایستگی و کاردانی، نظام انتصابی تنها در قالب متقاضی خدمات، محدود به دریافت خدمات در مقابل پرداخت مالیات و عوارض می‌شود.

در مقابل شهروند به فردی خطاب می‌شود که در یک نظام باز و بر اساس انتخاب اجتماعی از حق رأی و شرکت در انتخابات اعضای انجمن شهروند بر خودار است و در تصمیم‌گیریها و حل مسایل شهری مشارکت دارد. [۶]

## ● مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

لازم به توضیح است که اندیشه مشارکت شهروندان در اداره امور شهر قدمت دیرینه و به اندازه تأسیس شهر دارد.

در دهه‌های اخیر، این اندیشه مطرح است که شکلهای مدیریت سازمانی مسلط بر جوامع که از نیمه دوم قرن نوزدهم به جای مانده است با شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید هماهنگ نبوده و پاسخگوی حل مشکلات و معضلات کنونی نیست. در ادبیات جدید مدیریت بر شبکه‌های مدیریت غیر

شهرگرایی<sup>۶</sup> و شهرنشینی<sup>۷</sup> همراه با رشد فزاینده مسایل انسانی و اجتماعی، بویژه در کلان‌شهرها، از پدیده‌هایی عمومی و رایج کشورهای در حال توسعه است. جوامعی که از یک طرف فرآیند گذار از اقتصاد معیشتی و روستایی به اقتصاد نوین و شهری و از طرف دیگر نرخ بی سابقه مهاجرت‌های شهری و هجوم اکولوژیکی را تجربه می‌نمایند، چنین دوران را با تنوعی از مسایل و معضلات انسانی، اجتماعی و کالبدی سپری می‌کنند که مبین ناکارآمدی سیاستها و شرایط ساختاری در ابعاد ملی و منطقه‌ای است.

تا حد زیادی رشد مادرشهرها و کلان‌شهرهای ایران محصول سیاستهای تمرکزگرا و بهم‌خوردگی تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی و مهاجرت نیروهای انسانی فراوان به سمت شهرها و به خصوص شهرهای بزرگ است. رشد و گسترش سریع شهرها و تبدیل آنها به شهرهای چند میلیونی عامل شد تا توازن موجود بین منابع (خدمات) شهری و جمعیت ساکن در آن از بین برود و لذا با توجه به رشد لجام‌گسیخته جمعیت انسانی و محدودیتهای منابع شهری، بسیاری از مسایل مشکلات شهری از قبیل مسکن، حمل و نقل، آلودگی، مهاجرت، آسیبهای اجتماعی و حاشیه نشینی به طرز بی‌رویه‌ای رشد یابد و بعضاً شاهد واژگونی منابع و خدمات شهری باشیم، به طوری که تا حد زیادی دایره و عرصه عمل خدمات‌رسانی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و تلاش در جهت حل مسایل شهری را بسیار محدود و تنگ نموده است از این رو مشارکت شهروندان در سازماندهی و بهسازی شهرها به عنوان یکی از عوامل کلیدی حل مسأله کلان‌شهرها ضروری است.

## ۲. مفاهیم و تعاریف

## ● مدیران شهری

به مسوولانی اطلاق شود که تصمیمات آنها در سیستم تخصیص منابع، محیط زیست شهری و برنامه‌ریزی شهری، نقش سازنده‌ای دارند. هر چند تصمیمات آنها در داخل کلیه سیستم

خواسته‌ها را شناسایی کرده و راه‌های پیشنهادی  
ارایه نمایند.

۴. به واسطه مشارکت مردم در فرآیند توسعه شهری، مدیران  
بهتری می‌توانند مسائل و نارساییهای اجتماعی شهر را  
شناخته و در جهت حل آن و در نهایت بهسازی و توسعه  
شهری اقدام نمایند.

## ۲.۲. مشارکت شهروندان در مدیریت کلان‌شهرهای ایران

علیرغم اهمیت و ضرورت عامل مشارکت شهروندان در  
توسعه شهر (بویژه کلان‌شهرها) این مسأله در ایران سابقه  
چندانی ندارد بطوری که نقش مشارکت مردم در اداره امور شهر  
بسیار کم‌رنگ و ضعیف است. عواملی چون فقدان و نارسایی  
جدی در ارایه آموزشهای عمومی و کاربری، ضعف اطلاع‌رسانی و  
فقدان و انجمنها و شوراهای محلی کارآمد برای اداره امور شهر و  
متمرکز کردن طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی در بخش مرکزی و ... این  
را فراهم ننموده تا مسایل شهر و شهرسازی به میان مردم (عامه  
مردم) کشیده شود و از حالت انحصاری خارج گردد. گرچه در  
یک سال و نیم اخیر با روی کار آمدن شوراهای اسلامی جدید در  
کلان‌شهرها، ضمن تقویت روحیه خدمت‌رسانی، سهم  
مشارکتهای مردمی و نهادهای مردمی در امور شهرداریها افزایش  
یافته است.

## ۳. چارچوب نظری مسأله

در این بخش از مقاله چند نظریه و دیدگاه اساسی در  
ارتباط با موضوع معرفی می‌شوند. جملگی این آرا و نظریات بر  
نقش و جایگاه مهم مشارکت مردم در ارتقاء سطح کمی و کیفی  
محیط کار و زندگی تأکید دارند. به طوری که از ارکان و علل  
عمده توفیق و اثر بخشی برنامه‌ها و طرحهای شهری توجه ویژه  
به روحیات، نگرشها و علایق مردم و سهمین شدن شهروندان در  
اداره و پیشبرد امور شهری است.

متمركز و انعطاف‌پذیر تأکید می‌شود و مدیریت بتدریج وارد  
شکلهای سازمانی فرا بوروکراتیک<sup>۸</sup> می‌گردد. که به جای فرهنگ  
سرکوب و کنترل مشارکت و تضارب عقاید در امر مدیریت را  
تشویق می‌نماید.

هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ سنتها، هنجارها و روحیات  
خوبش می‌تواند پذیرای سطح معقولی از حضور شهروندان در  
تصمیم‌گیریها و اهداف جامعه باشد.

در جوامع غربی (کشورهای صنعتی) و گاهی هم در  
شرق سنت و تفکر مشارکت از دوران کودکی به فرد آموخته  
می‌شود و باصطلاح شهروند شدن و فرهنگ شهری در فرد  
نهادینه می‌شود ولی در جامعه‌ای که تصور درستی از موفقیت  
خوبش بعنوان یک شهروند ندارد مسایل نمود پیدا می‌کند. از  
این رو مهم‌ترین رویکرد در مدیریت شهری جلب مشارکت  
کامل مردم برای اداره امور شهر است به گونه‌ای که گذشته از  
نقشی که در حیطه فعالیت‌های شغلی و خانوادگی خود برای  
اجتماع انجام دهد به عنوان یک شهروند برای اداره امور  
شهری که در آن زندگی می‌کند نقش خود را باز شناخته و  
نسبت به وظایفی که پذیرش این نقش برای او ایجاد می‌کند  
خود را مفید و مسوول بداند.

## ۱.۲. ضرورت‌های مشارکت شهروندان

ضرورت این امر را می‌توان در چند رویکرد اساسی خلاصه

کرد:

۱. مشارکت شهروندان منجر به بیکاری و استفاده بهینه از  
ظرفیتهای موجود شهر و نیروهای توانمند شهر می‌گردد.
۲. این مسأله باعث افزایش شور و شوق مردم برای بکارگیری  
در امور شهری شده و روحیه سازندگی شهروندان را  
افزایش می‌دهد.
۳. مشارکت در مدیریت امور شهر باعث افزایش نوآوری و  
ابتکار می‌گردد. چرا که مردم به واسطه قرار گرفتن در  
بطن آن (فرآیند زندگی شهری)، خوب می‌توانند

**۱.۳ دیدگاه لیکرت**

بر پایه تحقیقاتی که لیکرت<sup>۹</sup> به عمل آورده و به این نتیجه دست یافت که رابطه مستقیم و نزدیکی بین بازدهی و روحیه وجود دارد. یعنی به همان اندازه که روحیه افراد (در سازمان) افزایش می یابد، بازدهی و میزان تولید آنان نیز افزایش می یابد لذا می توان اذعان داشت که هر اندازه مدیران و مسوولین شهرها (بوژه کلانشهرها) بتوانند به نظرات و پیشنهادات شهروندان بهاء لازم بدهند و به آراء، خواسته ها و روحيات آنها توجه داشته و احترام بگذارند به همان اندازه میل و رغبت آنان را در همکاری و افزایش توان سرویس دهی برانگیخته و در واقع شهرنشین منزوی بی تفاوت، سرخورده و ندرتاً وندالیست به شهروند متعهد و ذی مسوول مبدل می شود.

همان طور که لیکرت نتیجه گرفت حفظ و پرورش نیروی انسانی عامل بسیار مؤثری در کارائی سازمان به شمار می رود، مدیران شهرهای بزرگ نیز باید به این اصل مهم مدیریت امور شهری توجه وافر داشته باشند.

**۲.۳ دیدگاه آرگریس**

آرگریس<sup>۱۰</sup> در کتاب شخصیت و سازمان<sup>۱۱</sup> بر این موضوع تأکید دارد که سازمان از منابع و انرژیهای متعددی استفاده می کنند که مهمترین آن، انرژی روانی است از این رو توجه و عنایت به امیال و خواسته های منطقی مرتبط با حقوق شهروندان اصلی است بسیار محترم و با ارزش و بازخورد<sup>۱۲</sup> آن به تقلیل مسائل و معضلات مدیریت کلانشهرها می انجامد.

**۳.۳ دیدگاه جورج زیمل**

به نظر جورج زیمل<sup>۱۳</sup> وظیفه ما در کلانشهرها، نه ستایش شهروند و لعنت فرستادن بر آن است بلکه وظیفه ما فقط فهمیدن است. به نظر زیمل، بنیاد روانشناختی فرد نوع کلانشهری در شدت یافتن تحریکات عصبی نهفته است که خود

ناشی از تغییر سریع و بدون وقفه محرکهای بیرونی و درونی است. کلانشهر از آدمی به منزله موجودی تمییزگذار، آگاهی به مراتب بیشتری را طلب می کند تا زندگی روستایی. حیات در کلانشهر خصلت پیچیده ای پیدا می کند. او با مغز خود واکنش نشان می دهد نه با عواطف و احساسات خود.

**۴.۳ دیدگاه میسرا**

نظرات میسرا<sup>۱۴</sup> در خصوص انحصاری شدن مقوله برنامه ریزی در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است.

به نظر میسرا برنامه ریزی که ما امروز ترتیب می کنیم از نظر حرفه ای بسیار متعصبند و بیشتر به حرفه خود توجه دارند تا مردم. در واقع چنین برنامه ریزی همراه با مردم نیست بلکه ورای آنها قرار دارند این برنامه ریز فقط بخشی از فرآیند توسعه را در می یابد اما می پندارد که تمامی آن را در یافته است.

بر پایه مطالعات فوق می توان نتیجه گرفت که اکنون به برنامه ریزان و مدیرانی (از جمله در اداره کلانشهرها) نیازمندیم که بتواند با مردم کار کنند و نه برای مردم، توسعه چیزی نیست که دادنی باشد. کسانی که از نتایج طرحها و برنامه های توسعه بهره می گردند باید برای آن بکوشد و آن را بدست آورند. برای یک برنامه ریز و مدیر امور شهری ضروری است که به احتیاجات مردم برای رسیدن به هدفهای توسعه آگاه باشند.

**۵.۳ دیدگاه ویلیام [۷]**

نهایتاً اینکه به نظر ویلیام<sup>۱۵</sup> حل مشکلات شهری بدون در نظر داشتن عوامل اساسی عقب ماندگی کاملاً غیر ممکن است و بدین صورت باید از شهرسازی به عنوان وسیله تحول و تغییر واقعتهای موجود در سیستم کنونی استفاده نمود.

مطابق این نظریات باید افزود که به نظر می رسد دشوارترین کار برای مدیران و برنامه ریزان شهری کشف رموز راز و کلید توسعه شهری است و حال آن که توجه به منابع و انرژی بالقوه و بالفعل انسانی و هدایت این انرژی در مسیر درست می تواند سرمایه عظیمی در اداره امور شهر محسوب شود.

طرحها و برنامه‌های عمرانی و توسعه شهری سهم قابل توجه بر عهده دارند.

#### ۴. زمینه‌های مشارکت شهروندان

##### ۲.۴. مصادیقی از مشارکت شهروندان

در این راستا به صورت موردی به نمونه‌هایی از مباحث ویژه و مصادیق مشارکت شهروندان اشاره می‌شود.

##### ۱.۲.۴. مسکن و فضاهای سبز

به منظور مسایل مربوط به مسکن در شهرها، اختصاص فضای مناسب به منظور طراحی و ایجاد مناطق مسکونی با سرویسهای لازم از وظایف و رسالت‌های برنامه‌ریزان شهری و مدیریت شهری است. هر چند ساخت خانه به عنوان یکی از عناصر وابسته به مسکن توسط شهروندان صورت می‌گیرد، ولی وقتی صحبت از مسکن می‌شود منظور صرفاً خانه نیست، سطحی وسیع‌تر از خانه مطمح نظر است که شامل سیستم دسته جمعی می‌گردد و آن مجموعه‌ای از خانه‌ها، مراکز آموزشی، مغازه‌های اولیه و تأسیسات وابسته و مورد نیاز خانه‌ها است که در واحدهای شهری طراحی می‌گردند. از این رو رسیدگی به نیازمندیهای شهروندان در نواحی و مناطق مسکونی شهر اعم از تخصیص فضای مناسب به منظور ایجاد پارک، مدرسه و غیره از مجموعه اقدامات ضروری مدیریت شهری است. وقتی به دنبال این هستیم که مسائل و مشکلات شهری را حل کنیم باید از کمبودها آغاز کنیم. کمبودها را بر شماریم و از این طریق است که سهم مدیران شهری و شهروندان در اداره امور شهر و بهسازی و توسعه شهری مشخص شده و اقدامات لازم از ناحیه هر یک انجام می‌گیرد.

##### ۲.۲.۴. حمل و نقل

اگر هدف حل مشکل حمل و نقل درون شهری است، مدیران و برنامه‌ریزان با اتخاذ سیاستهای کوتاه‌مدت و بلندمدت حمل و نقل شهری از قبیل یک طرفه کردن، ایجاد منطقه

با توجه به این که استراتژی اساسی در قانون برنامه ملی پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در جهت مردمی کردن هر چه بیشتر شهرداریها و کنترل حمایت لازم توسط دولت است. باید زمینه‌های مشارکت شهروندان در گروه‌های مختلف شغلی، قومی و ... را در اداره امور شهر فراهم نمود و به نقش فعال مشارکت چشم‌گیر آنان توجه وافر نمود، از این طریق می‌توان با واگذاری بخشی از مدیریت شهری به نهادهای مردمی، اداره امور شهر شکل پویا و زنده به خود گرفته و برای مشارکت کامل مردم در امور مختلف شهری، زمینه و بستر مناسب فراهم می‌آید.

در این راستا مدیریت شهری و شهروندان به صورت متقابل در توسعه و ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات و امکانات شهری نقش سازنده‌ای دارند. رشد و تعالی فرهنگ شهرنشینی که منجر به مشارکت همه جانبه شهروندان در اداره امور شهر می‌شود استفاده سالم و بهینه از امکانات شهری را به همراه دارد.

##### ۱.۴. استراتژی مدیریت پایین به بالا

بر اساس استراتژی توسعه شهری از پایین به بالا توجه به طرحهای کاربری، تکنولوژی مناسب، تقویت سازمانهای محلی، بهره‌گیری از نیروی کار و سازمانهای محلی، استفاده از نظرات و پیشنهادهای کاربردی مردم در رونق بخشیدن به نیازهای شهری، استفاده همه مردم از مزایای توسعه و امکانات اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، اولویت بخشی به اجرای برنامه‌ریزی شهری و سالم‌سازی محیط زیست در مناطق پرتراکم، کم درآمد و ناسالم شهری و مهم شمردن نیازهای شهروندان از جمله محوریهای برنامه‌ریزان و مدیران کلان‌شهرهاست که بایستی در دستور کار قرار گیرند. امروزه به منظور فعال‌سازی مشارکت شهروندان، زمینه‌های فراوانی می‌توان یافت که شهروندان در بهسازی و کاربردی نمودن

شهری که طراحی می کند هستند. ارتباط تنگاتنگی با اهالی شهر مربوطه برقرار نمی کنند و به طور سیستماتیک نیز اجباری در برقراری این نوع ارتباط ندارند.

#### ۵.۲.۴. پرداخت عوارض شهرداری و ...

پرداخت عوارض و نوسازی، مالیات، ساخت و ساز قانونی و سالم سازی محیط شهری همکاری یا مأموران شهرداری، توسعه اشتغال رسمی، حذف اشتغال ناقص و کاذب، ارائه گزارش و پیشنهاد علمی و کاربردی، پرهیز از مهاجرت های اجباری و نسجیده و توجه به اصل کنترل و تنظیم خانواده از دیگر جنبه های اقتصادی مشارکت شهروندان محسوب می شود.

#### نتیجه گیری

وضعیت و سیمای کلی کلانشهرهای دنیا، بویژه در کشورهای در حال توسعه، و از جمله در ایران نشان از رشد مسایل مشکلات اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بویژه عمرانی و کالبدی است. این قبیل شهرها چون متعهد به انجام خدمات متعدد، متنوع و پیچیده شده اند به ناچار تشکیلات اداری آنها بسیار گسترش یافته و دارای ادارات دایره، نمایندگی های مختلف و کارمندان زیادی می باشند. چون هر یک از این ادارات و دایره دارای آزادی عمل نسبی می باشند لذا تنظیم و هماهنگی برنامه های آنها با مشکلات فراوانی همراه است که خود عوارض و مسایل ناشی از تداخل وظایف، سلب مسوولیت، کاهش نظارت بر امور شهری و ... را به همراه دارد. به منظور احیاء تقویت و فعال سازی زمینه های مشارکت مردمی و شهروندی در رشد و ارتقای توان مدیریتی کلانشهرها اصول و موارد زیر پیشنهاد و انتظار می رود در تنظیم و تدوین راهبردهای توسعه شهری مدنظر قرار گیرد:

ممنوعه شهری در ساعات خاص روز، نصب و تعمیر چراغهای راهنمایی، نصب تابلوهای ویژه، تخصیص فضای مناسب برای پارک اتومبیلها، چراغهای تشویق شهروندان در جهت رعایت نظم ترافیک، جلوگیری استفاده بی رویه از وسایل نقلیه شخصی، توسعه میدانی میوه و تره بار و مراکز خرید در اقصی نقاط شهر، طراحی اتوبانها و شاهراهها، اتوبوس برقی و مترو و احترام به قواعد مقررات راهنمایی و رانندگی، توسعه پایانه ها (ترمینالها) پلهای عابر و اتومبیل رو از جمله اقداماتی هستند که به حل یا کاهش معضلات حمل و نقلی و آلودگی شهرهای بزرگ می انجامد.

#### ۳.۲.۴. محیط زیست

در زمینه سالم سازی محیط زیست شهری علاوه بر موارد فوق الذکر ضروری است تا در ارتباط با جمع آوری زباله، ضایعات سطح شهر و استاندارد سازی محیط زیست شهری، احداث مسیلهای شهری، هدایت پسابهای صنعتی و تولیدی پس از تصفیه های لازم و ... سیاست کارآمدی اتخاذ گردد.

#### ۴.۲.۴. برنامه ریزی شهری

از دیگر زمینه های مشارکت شهروندان، می توان به کمک شهروندان در تدوین برنامه های شهری اشاره نمود چرا که از ویژگی های برنامه ریزی شهری در کشورهای صنعتی و پیشرفته - در رابطه با تهیه طرح های جامع و دیگر طرح های عمومی مسأله مشارکت مردم در طرحها و برنامه است و در عمل دستاوردهای مثبت فراوان هم به همراه داشته است. اما در ایران طرح های جامع عمدتاً به مهندسان مشاور برگزیده وزارت مسکن و شهرسازی که متولی اجرای طرح های مذکور هستند واگذار می شود و مهندسان مشاور نیز در چارچوب شرح خدمات که خود دارای کاستی های فراوانی است با تکیه بر تجارب خود به طراحی طرح جامع می پردازند و در عمل نه متولی (طرح وزارت مسکن و شهرسازی) و نه طراح آن (مهندسان مشاور منتخب وزارت مسکن و شهرسازی) که اغلب غیر محلی و غیر بومی

۲. اوکلی، پیترا؛ مارسدن، دیوید، (۱۳۷۰)، **رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی**، ترجمه منصور محمودزاد، وزارت جهادسازندگی، تهران
۳. اقتداری، علی محمد، (۱۳۷۴)، **سازمان مدیریت**، انتشارات مولوی، تهران
۴. توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۴)، **جامعه‌شناسی شهری**، دانشگاه پیام نور، تهران
۵. میسرا، (۱۳۶۹)، **برداشتی نو از مسایل توسعه**، ترجمه حمید فرهانی راد، وزارت برنامه و بودجه، تهران
۶. مهر آئین، محمدرضا، (۱۳۷۷)، **مدیریت کلان‌شهرها و مشارکت اجتماعی شهروندان** (در کتاب **جامعه‌شناسی مدیریت**)، سازمان مدیریت صنعتی کشور، تهران
۷. ویلیام، جورج، (۱۳۵۷)، **شهرسازی در عقب‌ماندگی**، ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
۸. شکیبیا مقدم، محمد (۱۳۷۴)، **اداره امور سازمانهای محلی و شهرداری**، نشرهور، تهران
۹. شریعت زاده، مریم، (۱۳۷۷)، **بحران مدیریت شهری در ایران** (در کتاب **جامعه‌شناسی و مدیریت**)، سازمان مدیریت صنعتی کشور، تهران
۱۰. عابدین در کوش، سعید، (۱۳۶۴)، **درآمدی به اقتصاد شهری**، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
۱۱. شیعه، اسماعیل، (۱۳۷۰)، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری**، دانشگاه علم و صنعت، تهران
۱۲. دفتر برنامه‌ریزی عمرانی کمیته تدوین عمران شهری برنامه دوم، (۱۳۷۳)، **فرآیند برنامه‌ریزی فصل عمران شهری در برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - ۷۷-۱۳۷۳**، تهران
۱۳. نجاتی حسین، سیدمحمود، (۱۳۷۹)، **فضای مفهومی مشارکت فرهنگی** (در کتاب **مشارکت فرهنگی**)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۱۴. Hiraskar, G. K., (۱۹۸۹), **Fundamental town planning** Delhi, Jalendihar.
۱۵. Unicef, (۱۹۸۲), **Social planning, The Urban Poor**, UN.
۱۶. Rogers, A., (۱۹۹۰), **Atlas of Social Issues**, Oxford, Oxford University press

### پی‌نوشت

۱. Metropolis

- تهیه طرحها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی جهت بافتهای فرسوده شهری با تأکید بر معاصر کردن بافتهای با ارزش به منظور بهره‌برداری از بافتهای موجود از طریق مشارکت شهروندان.
- همکاری متقابل بین برنامه‌ریزان و مدیران شهری با شهروندان که در واقع مصرف‌کنندگان اصلی طرحهای و برنامه‌های شهری‌اند.
- فراهم‌سازی محیط سالم شهری، بهداشت محیط و توسعه سکونت‌گاه‌های انسانی بویژه ارتقای سطح مناطق و محلات فقیرنشین گروه‌های کم درآمد شهر.
- ارایه آموزشهای عمومی و کاربردی به شهروندان در راستای حفاظت و نگهداری مطلوب از امکانات و خدمات شهری و تقویت روح شهروند مسوول به جای شهرنشین بی تفاوت.
- پذیرش گزارشها، پیشنهادات و نظرات سازنده شهروندان از طریق مطالعه قبل و بعد، ارزشیابی و ارزیابی طرحها و برنامه‌های شهری.
- واگذاری بخشی از امور به نهادهای مردمی و فراهم‌سازی جلب مشارکتهای مردمی از طریق معرفی برنامه‌های بهسازی و توسعه در حوزه‌های مسایل اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و عمرانی (کالبدی) شهرها.
- افزایش ضریب مشارکت شهروندان مستلزم ارایه خدمات و توجه عملی به نگرشها و خواستههای منطقی و عقلانی شهروندان از ناحیه مدیران و دست‌اندرکاران شهری است و زمانی مردم، جهت کمک به مدیران و برنامه‌ریزان شهری رغبت و شور و شوق زایدالوصفی از خودشان می‌دهند که از مواهب امکانات و خدمات شهری بنحو مطلوبی برخوردار شوند.

### منابع

۱. محسنی، رضاعلی، (۱۳۷۷)، **مشارکت اقتصادی - اجتماعی شهروندان و مدیریت شهری** (در کتاب **جامعه‌شناسی و مدیریت**)، سازمان مدیریت صنعتی کشور، تهران

۲. Megalopolis
۳. Expansion
۴. Participant Management
۵. People in Urban Development Process
۶. Urbanism
۷. Urbanization
۸. Post Bureaucratic
۹. Likert
۱۰. Argyris
۱۱. Personality And Organization
۱۲. Feedback
۱۳. G. Simmel
۱۴. Misra
۱۵. William



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی